



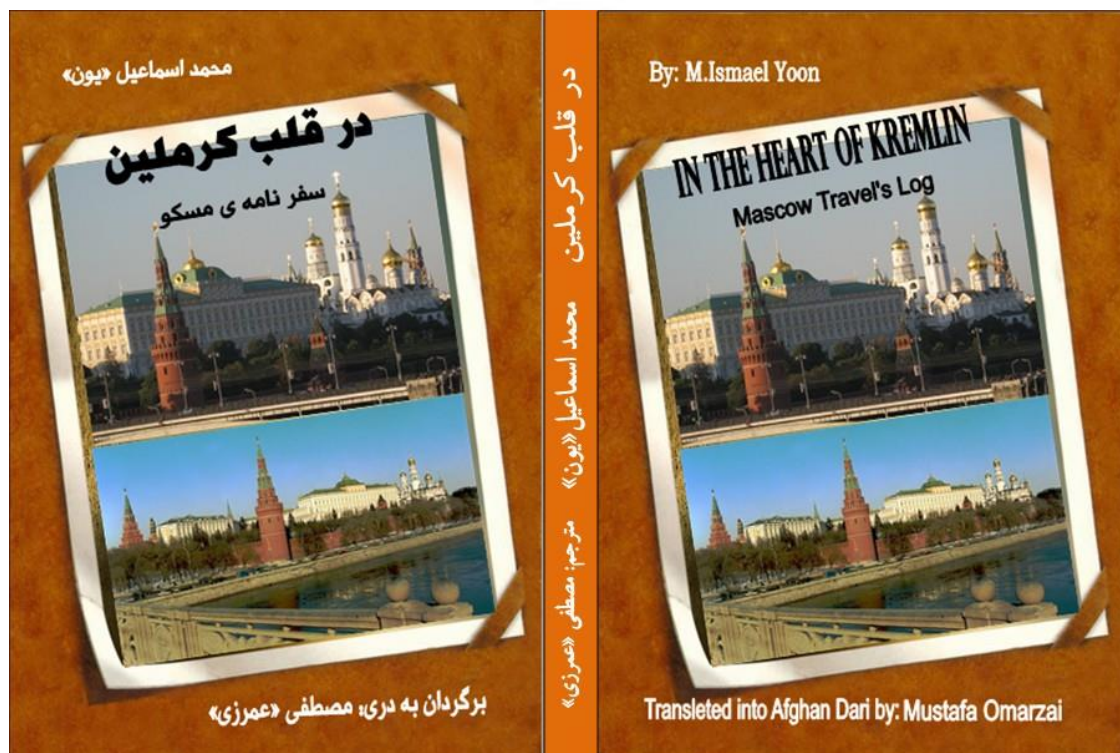
۲۰۱۷/۰۳/۱۵



مصطفی عمرزی

در قلب کرملین

(معرفی کتاب)



توسعه امپریالیسم تزاری در آسیای میانه، نخستین فهم ما از عنصر روس در تاریخ معاصر است. حضور مردم مسلمان امارت نشین بخارا در افغانستان و قضیه پنجه، نخستین مُعضلاتی بودند که در انعکاس داخلی، افغانان را پیرامون بررسی پدیده در حال توسعه (روسیه تزاری) در سیاست پردازی های زعامت افغانستان، متوجه می کنند.

تحول اکتوبر ۱۹۱۷ و تعویض ظاهری روس با شوروی و ایجاد حاکمیت جدید (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۱۹۲۲) افغانستان را که پس از ۱۹۱۹، با اعلام این که دیگر نیازی ندارد در امور خارجی با برتانیه مشوره کند، در میز توافق با روسان می نشاند و تهدید تزاری، مبدل به تعهد در امر مبارزه مشترک با استعمار کهن - میان افغانان و روسان می شود.

افغانستان، اولین کشوری ست که اتحاد شوروی را به رسمیت می شناسد و جانب مقابل نیز این مسأله را رعایت می کند. تلافی دوستانه، توجه زعمای شوروی را با وجود این که مُعضل اقتصادی داشتند، بر امر تأمین نیاز های فنی افغانان جلب می کند و شاه امان الله، نخستین کمک های غیر انگلیسی را می آزماید؛ اما دیری نمی پاید که ظاهر شوروی، باطن امپریالیزم روسی را معرفی می کند و شاه افغان (امان الله) با تعهد اسلامی و دین اخوانی، به کمک و تقویت آن مجاهدین و مبارزین بخارا می پردازد که در برابر شورویان - از خاک های خویش دفاع می کردند. در این میان، سهم داوطلبان و مبارزان افغانی که برای کمک به برادران مسلمان تاجیک و اوزبیک بخارایی خویش، با روسان می جنگیدند، نخستین تقابل سیاسی - خصمانه ما پس از دوره تزاری با روسان بود. تسلط شوروی بر امارات نشین بخارا و تجزیه آن ساحه به کشور های کنونی آسیای میانه، نقش سازنده و مخرب در سلطنت ها و جمهوریت های افغانستان، حضور مستقیم با حمایت از کودتاچیان چپی، و بالاخره پیامد زوال شوروی و نقش تازه روسیه کنونی، می بایست مسأله پیوند با همسایه بزرگ شمالی (وصف رفقای چپی از اتحاد شوروی) را در رأس سیاست های خارجی ما قرار دهد، اما متأسفانه همچنانی که حاصلی از تقابل گسترده با جغرافیای پیرامون و عناصر متداخل مهم و بیرونی در وضاحت سیاست های خویش نداشته ایم، منابعی که مهمترین طرف های سیاسی ما در چند دهه اخیر را در بر می گیرند، بیشتر در تفصیل و تفاسیر غریبان از تجربه حضور شوروی در افغانستان اند؛ حتی رفقای متعهد بر منافع شوروی، سال ها پس از سقوط آن پدیده خشن، در حالی که ولادیمیر پوتین، راکت ها و حضور او در جهان را با باور های اعتقادی خویش، همچنان عوض می گیرند، از راز ها و تجربیاتی کمتر می گویند که اگر ذره ای از گل، افشا کنند، پس از رعایت خود سانسوری، همچنان آرزو برای برپایی محافل رفقای ست.

برگردان این کتاب را کاری کوچک در امر روشنگری در مسأله ای می دانم که خیلی حجیم است. ناشر کتاب «در قلب کرملین»: دانش خپرندویه تولنه (انجمن نشر دانش). محل پخش و فروش کتاب «در قلب کرملین»: کتاب فروشی دانش؛ رو به روی شرکت رحیم گردیزی، جاده ده افغانان - دهن باغ، کابل.